فهرست

[پیشگفتار 2](#_Toc102972653)

[معرفی منابع 2](#_Toc102972654)

[مطلب دوم 4](#_Toc102972655)

[اقسام دسیسه علیه خاندان نبوت 4](#_Toc102972656)

[قسم اول: مبارزه عملی 4](#_Toc102972657)

[قسم دوم: جنگ معرفتی 4](#_Toc102972658)

[اقسام کارزار معرفتی 5](#_Toc102972659)

[مطلب سوم 6](#_Toc102972660)

[بخش دوم 7](#_Toc102972661)

[مطالبی در شأن حضرت خدیجه علهیاالسلام 8](#_Toc102972662)

**اعوذ بالله من الشیطان الرجیم**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدی و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینّا ابی القاسم المصطفی محمد و علی آله الاطیبین سیما بقیة الله فی الارضین**

**ربنا علیک توکلنا و الیک أنبنا و إلیک المصیر**

**تقدیم به ساحت مقدس حضرت خدیجه کبری سلام الله علیها در این روز و سالروز ارتحال این بانوی بزرگوار صلواتی ختم بفرمایید.**

**اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم**

# پیشگفتار

ما با کسب اجازه از محضر شریف دوستان رشته بحث عوامل تضاعف و اشتداد گناه را امروز قطع می‌کنیم و به بیان مطالبی راجع به شخصیت حضرت خدیجه کبری سلام الله علی‌ها خواهیم پرداخت.

حق عظیم خدیجه کبری بر امت اسلام اقتضای ادای بیش از این احترام نسبت به ساحت او دارد و اقل وظیفه ما این است که امروز این دقائق که مصدع اوقات شریف شما هستیم و در این بیت و دفتر شریف پیرامون این بانوی بزرگ و عظیم و الشأن اختصاص پیدا بکند.

مقدمتاً دو نکته را بگویم بعد مبحثی که آن مبحث را بر شخصیت حضرت خدیجه کبری سلام الله علی‌ها تطبیق می‌دهیم

چند سال قبل دوستان ما در جامعة المصطفی و چند نهادهای دیگر تصمیم گرفتند و اقدامات نسبتاً خوبی انجام شد برای برگزاری یک نشست درباره حضرت خدیجه کبری سلام الله علیها، به گمان یکی دو سال طول انجامید و دبیرخانه تشکیل شد برنامه ریزی انجام شد و موضوعات مشخص شد بعد سعی کردند کار جدی و درست انجام بشود و کار ناسنجیده و سطحی و تشریفاتی نباشد و نسبتا هم کار خوب انجام شد و جناب آقای رفیعی هم پیگیر کار بودند و یک جلسه هم محضر مقام معظم رهبری مشرف شدند و بنده هم خدمتشان بودم مطالب خیلی ارزشمندی ایشان راجع به حضرت خدیجه بیان فرمودند و نهایتاً صدها مقاله و بحث جمع آوری شد.

# معرفی منابع

قبل از انکه امروز به بحث بپردازم این چند کتاب که حاصل آن نشست و همایش بود را معرفی می‌کنم.

کتاب اول دو جلد به زبان عربی است که حاصل مقالات و تحقیقات این همایش و کنگره حضرت خدیجه بود این مجموعه به عنوان موسوعة‌ام المؤمنین السیده خدیجه فی مصادر اهل السنه است. عنوان آن موسوعه و دانش نامه حضرت خدیجه در منابع تاریخی و روایی اهل سنت است.

تقریباً کمتر مطلبی فروگزار شده است آنچه که در طول این ادوار و به خصوص آن قرن‌های اول از اهل سنت درباره حضرت خدیجه وجود داشته است اینجا جمع شده است و جمع آوری بسیار خوبی است اگر فرصت بود از این مجموعه سخنان و نوشته‌ها و داوری‌هایی که جماعت اهل سنت از علما و بزرگوان و راویان اهل سنت راجع به حضرت خدیجه گفته‌اند و برای شناخت آن جایگاه رفیع همین کافی است.

از زبان اهل سنت چه تمجیدهایی از این بانوی بزرگ اسلام به عمل آمده و به چه ابعاد و زوایای زیبا و دلنشین در این سخنان درباره خدیجه کبری اشاره شده است.

منبع دیگری که از این نشست و کنگره به دست آمد دانش نامه حضرت خدیجه به زبان فارسی است که دو جلد هست و بیش از صد مقاله در این کتاب به زوایای گوناگون زندگی حضرت خدیجه پرداخته است البته این اعم است، کار مطالعاتی است هم شمال مباحثی است که در منابع عامه آمده است و هم مباحثی که در روایات ما و اخبار و احادیث و تواریخ شیعه آمده است از این جهت سلسله مقالاتی اینجا جمع‌بندی شد و کار خوبی هم در این بخش دوم شاهد هستیم.

سوم مجموعه مقالات دیگری است که در کتاب صدف کوثر جمع اوری شده است که سه جلد است درباره حضرت خدیجه منابع روایی و تاریخی و نقل‌ها و فقرات فراوان و متعدد وجود دارد اما کتابهایی که جمع و جور و منقح باشد کمتر وجود دارد به نحوی این نشانه‌ای از غربت این بانوی بزرگ اسلام است

این کنگره‌ای که در سال گذشته انجام شد و ره آورد آن هم این هفت جلد کتاب بود و بعضی از نتایج دیگری داشت و صحبت‌هایی که رهبری در آن دیدار بیان فرمودند حاصل آن کنگره بود و تا اندازه‌ای توانست پرده را از چهره و شخصیت بزرگ اسلام کنار بزند. این معرفی منابع بود

کسی که مطالعه‌ای داشته باشد تصویر خوب و جامعی از حضرت خدیجه را به دست می‌آورد

در این مقالات و تحقیقات به آیاتی هم که تطبیق داده شده است به حضرت خدیجه و احیاناً شأن نزولی مرتبط با حضرت خدیجه اشاره شده است و چندین آیه است و همچنین روایاتی که از عامه و خاصه درباره ایشان نقل شده است

این هفت جلد کتاب ره آورد این همایش بود و برای آشنایی با حضرت خدیجه می‌تواند مفید باشد

# مطلب دوم

# اقسام دسیسه علیه خاندان نبوت

دسیسه‌های سنگینی که در تاریخ اسلام رقم خورد نسبت به خاندان پیامبر بخصوص حضرت خدیجه، حضرت فاطمه، امیرالمؤمنین صلوات الله علیهم، دسیسه‌های خیلی متعددی بود نقشه‌هایی که طراحی شد از سوی مغرضان و معاندان و مخالفان خط معرفت و معنویت و عدالت علوی، از نگاه عمومی می‌شود به دو گونه تقسیم کرد

## قسم اول: مبارزه عملی

یک نقشه و راه و خطی که دنبال شد، نقشه مبارزه و مقابله عملی با خاندان پیامبر بود یک طراحی بود که از بعد از پیامبر خدا آغاز شد و زنجیروار در طول تاریخ وجود داشته و در عصر ما نیز به این تندروها افراطی‌ها و وهابیت و داعشی رسیده است.

اما یک خط مبارزه علنی و غیر علنی در عمل و رفتار اجتماعی و سیاسی علیه این خط نورانی نبوی و علوی طراحی شد و رقم خورد زنجیروار در تاریخ معاندان آمدند و در برابر این خط نورانی قد علم کردند و طراحی کردند و اجرا کردند و در خیلی موارد هم موفق بودند و البته اگر آن مبارزه و ایستادگی و مقاومت مظلومانه خاندان پیامبر و صحابه راستین آن‌ها نبود حتماً این حجم نقشه و طراحی مبارزه، خط نبوی و علوی را محو کرده بود و خط اموی غالب شده بود

اما آن حقانیت و نورانیت از یک طرف و ایستادگی و مقاومت کم نظیر از سوی دیگر این نقشه عملیاتی مبارزه با خاندان پیامبرو خط علوی را نقش بر آب کرد.

این یک نقشه عملی بود این نقشه عملی در سقیفه هست در جنگ‌های علیه امیرمؤمنان سلام الله علیه هست تا عاشورا می‌آید و همینطور حوادثی که در طول خلافت‌های جائرانه شاهد هستیم.

## قسم دوم: جنگ معرفتی

اما یک روش و شیوه و نقشه دیگری غیر از نقشه عملیاتی وجود دارد و آن نقشه و طراحی‌های علمی، به ظاهر علمی و تصرف در قلمرو دانش مسلمانان و اندیشه مسلمانان و زیر رو کردن تاریخ اسلام و تفسیر و حدیث اسلام و علوم اسلامی برای اینکه نه در عمل در ذهن و اندیشه عالم اسلام این جایگاه رفیع خط نبوی و علوی و فاطمی و خط عدالت و مبارزه و مقاومت و معرفت‌های ناب الهی را تخریب بکنند و خاموش بکنند

این نقشه دوم جنگ معرفتی است اینکه امروز می‌گوییم تهاجم فرهنگی، یک بخش از آن عملیات است و یک بخش از آن جنگ معرفتی است یک کارزاری است که در حوزه معرفت و دانش و اندیشه دیگران بر پا می‌شود

امروز از طریق تولید مستمر معلومات غلط، تحلیل‌های باطل و ترویج اندیشه‌های ضلال در فضای مجازی و غیر آن در صدد یک کارزار سنگین معرفتی و جنگ درونی و شناختی و معرفتی هستند.

چنین جنگی راه دومی بود که در برابر خاندان پیامبر شروع شد.

پس ما خط علوی را در برابر دو کارزار باید تجسم کنیم یک کارزار عملیاتی که در قالب جنگ و زندان افکندن و تبعید و کشتن و به شهادت رساندن و انواع مضایق علیه خاندان پیامبر شاهد بودیم و دوم یک کارزار پیچیده‌تر در قلمرو شناخت و معرفت و عالم درون امت اسلام برای اینکه آن‌ها را از این خط و این خاندان جدا کنند.

### اقسام کارزار معرفتی

قسم دوم خود انواع و اقسامی دارد که چند مورد را خواهم گفت

این جنگ و کارزار معرفتی و جنگ شناختی که علیه خاندان پیامبر فعال شد جلوه‌ها گوناگونی داشت شگردهای مختلفی را به کار بردند.

#### قسم اول

یکی از این شگردها که علامه امینی در الغدیر و بزرگان ما در جاهای مختلف گفته‌اند و کسی که تاریخ را مراجعه کند انواع این جنگ شناختی و معرفتی و کارزار ذهنی و درونی علیه پیامبر در طول تاریخ می‌بیند که جلوه‌های متعددی دارد.

یک جلوه آن این است که اینها کپی گرفتند و رونوشت گرفتند فضائلی که از رسول خدا در مورد امیرمؤمنان و خاندان پیامبر بود. ، همانها را کپی کردند و رو نوشت گرفتند و با تحریف به آدم‌هایی که هیچ ربطی به آن خاندان ندارند منتقل کردند.

چقدر از فضائل که در باره امیرالمؤمنین و بزرگان خاندان پیامبر بود را به معاویه چسباندند چهره‌ای که هیچ قابل دفاع نیست متاسفانه بعضی امروز هم خیلی تلاش می‌کنند همه جهات او را تطهیر کنند و همینطور دیگران و دیگران گاهی در حدی که افراد خیلی دور از آبادی آمدند و کپی گیری شد و فضائل آن‌ها را به اینها نسبت دادند

این جابجایی مصادیق شأن نزول آیات، کلمات پیامبر از افراد ذی حق درست به غیر ذی حق، این یک نوع بود که الی ماشاءالله نمونه دارد.

#### قسم دوم

این بود که همین را در تاریخ نگذارند بماند و تحریف بکنند اینجا هم با اقسام تحریف آمدند این فضائلی را که وارد شده بود و راه را نشان می‌داد یا انکار کردند یا خاموش کردند و زیر و رو کردند که نماند بنابراین محو این آثار در فضائل و مناقب اهل بیت که منع حدیث هم یکی از دلائلش در یکی دو قرن اول این است و هم جابجایی اینها، این هم دو.

#### قسم سوم

جعل احادیث، و با این تدابیر مختلفی که در حوزه تفسیر و حدیث و علوم اسلامی شد در واقع تلاش شد ذهن جامعه اسلامی را از خاندان پیامبر برگردانند و فضا را تیره و تار کنند که امت اسلام نتواند راه را از چاه تشخیص دهد، خیلی وقت‌ها همینطور شد یعنی یک گروه‌هایی که مغرض نبودند ولی در أثر این هجوم فرهنگی و این کارزار عملیاتی و کارزار بسیار سنگین معرفتی و جنگ شناختی نتوانستند تشخیص بدهند.

همه آن‌ها که دور امام علی علیه السلام را خالی کردند و امام حسن علیه السلام را به آن وضع مبتلا کردند در شهادت امام حسین علیه السلام ساکت بودند و در طول تاریخ تا زمان حضور ائمه بخش بزرگ از عالم اسلام در سکوت و خاموشی بود یک بخشی از آن عناد و غرض هست بخش بزرگ آن جهل و نادانی است و تحت تأثیر معرفتی و جنگ شناختی قرار گرفتند و آن جهاد تبیین لازم هم وجود نداشت که بتواند سرنوشت امت را تغییر بدهد این واقعیت عالم اسلام. این سخن مقدماتی دوم بود.

یکی از مظلوم‌ترین چهره‌هایی که قربانی این دسیسه کارزار معرفتی شد حضرت خدیجه کبری سلام الله علی‌ها بود.

این موسوعه حضرت خدیجه در مصادر اهل سنت را ملاحظه کنید همان گزارشاتی که در کتب روایی و تاریخی برادران اهل سنت آمده است همان به تنهایی کافی است تا راه را نشان بدهد و عظمت حضرت خدیجه را نشان بدهد و عظمت خدیجه را مشخص کند اما در عمل اینطور نیست امهات مومنین آن مادر نمونه ی، اعلای بسیار پاک و منزه، خدیجه بود کسی که تا او بود حضرت با زن دیگری ازدواج نکرد و خواهیم دید چه تعابیر بلند و چه فرازهای فوق العاده شگفت‌انگیز از رسول خدا در شأن این مادر عزیز و بزرگ و‌ام المؤمنین وارد شده است. قطعا در قله امهات مومنین است اما این چرخ بی‌رحم دسیسه‌ها و کارزار معرفتی پیش که بوجود آمد نه تنها مانع از درخشش این خورشید درخشان که الگوی زنان و مردان عالم است شد بلکه اصلا یک تهمت‌هایی هم به او زده شد و تلاش شد که او در تاریخ دفن شود

خیلی از چهره‌های ما اینطور هستند و حضرت خدیجه در راس این چهره‌های مظلوم تاریخ اسلام هست. این هم مقدمه‌ای دیگر

# مطلب سوم

بحث سوم که باز مقدمه‌ای است که ما را به بیان برخی از مناقب و فضائل آن حضرت نزدیکتر می‌کند و گوشه‌هایی از شخصیت آن حضرت این سخن سوم است.

پس بحث اول معرفی آن منابع بود که تازه کار شده است و در دسترس هست.

بحث دوم نقشه راه بنی امیه و معاندان خاندان پیامبر در چند محور بود علیه این خط که مهمترین آن کارزار شناختی و جنگ شناختی بود.

بحث سوم این است گفتیم حدود بیست عامل است که عقاب انسان را در گناهان افزایش می‌دهد و کسانی بخواهند تهذیب نفس بکنند از این ماده خام وجودشان یک شخصیت متعالی بسازند باید این لغزشگاه‌ها را بدانند

به موازات این بحث یک بحث دیگری است که در کنار این صفحه، صفحه دیگری است و آن معیارها و ملاک‌ها و عواملی که ارزش کارها را بالا می‌برد و ثواب کار را مضاعف می‌کند این دو بحث مکمل هم هستند.

عوامل بیست‌گانه‌ای که در ملاک‌های تشدید عقاب گفتیم بعضی حالت مشترک دارد و بعضی اختصاصی است بین دو سه سلسله عموم و خصوص من وجه است، عوامل بیست‌گانه‌ای که موجب افزایش عقاب در اعمال و معاصی ما می‌شود و در صفحه دیگر عواملی داریم که موجب افزایش ثواب و ارتقای درجه می‌شود و بین اینها از لحاظ عنوان کلی من وجه است.

# بخش دوم

این بخش دوم را طرح نکردیم و اولین بار است که اینجا می‌گویم

در اینجا حدود دوازده عامل در بحثی که امروز اولین بار مطرح می‌کنم وجود دارد شما هم با آن آشنا هستید و این بحث یادآوری است و برای تنبه بیشتر است و ما نیاز به تنبه داریم گوینده بیش از شنونده

در این بحث هم من هفت هشت نکته را فهرست‌وار می‌گویم

چه چیزی می‌تواند کار خوب را متعالی کند. ارتقا ببخشد همه این کارهای خوبی که طاعات است در یک جاهایی ضریب تصاعدی می‌گیرد و خوبی آن بالاتر می‌رود بر خلاف آن قبلی‌ها که بدی‌ها را افزایش می‌داد این خوبی‌ها را افزایش می‌دهد.

این عوامل چیست

۱- آغازگری و پایه‌گذاری یک کار خوب است.

۲- سرعت عمل در کار خوب، ﴿**وَ سارِعُوا إِلى‏ مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ**[[1]](#footnote-1)﴾ همین سرعت موجب بالا رفتن ارزش کار می‌شود.

۳- اقدام خوب به خصوص در فرائض اجتماعی در تنهایی و فرصت‌های سخت و وحشت‌ها می‌باشد، کار خوب گاهی در وقتی است که همه همراه هستند و این خوب است اما یک کسی نماز می‌خواند و روزه می‌گیرد، امر به معروف و نهی از منکر می‌کند در وحشت و تنهایی ارزش بالاتر می‌آید.

۴- سختی زیاد، ﴿**أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ أَحْمَزُهَا**[[2]](#footnote-2)﴾

۵- عمق معرفتی یک عمل، دوتا نماز دو رکعتی صبح ممکن است این آقا بخواند و آن آقا در پنج دقیقه اما این درجه‌اش صد باشد و آن بیست باشد. تفاوت هم به عامل پنجم که معرف است بر می‌گردد. آن یک پشتوانه معرفة الله و معرفة النفس دارد و این یکی ندارد.

۶- اخلاص است اخلاص بالاتر عمل‌های مثل هم را متفاوت می‌کند

۷- اینکه کسی هیچ مزد دنیایی برای کاری که برای اسلام کرده است نگیرد هر چه انجام داده است حتی خوشی را هم نمی‌بیند که بعد خواهیم گفت حضرت خدیجه از اینها بود

۸- شجاعت

۹- استقامت

۱۰- اینکه خوبی‌ها از جوانی شروع بشود پایه‌های خوبی اگر در جوانی ریخته بشود داستان طور دیگر می‌شود

این ده عاملی است که مستند به آیات و روایات می‌توان تحلیل کرد عواملی که کارهای خوب را ارتقا می‌دهد

﴿**لا يَسْتَوي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْح**‏[[3]](#footnote-3)﴾ کسی که در زمان سختی و تنهایی انفاق کرده است و آن که بعد انفاق کرده است فرق می‌کند قبل از انقلاب و بعد از انقلاب فرق می‌کند

این ده عامل می‌گوید عمل‌های خوبتان را اگر با بعضی از این عوامل همراه کردید و تقویت کردید ارزش بالاتری پیدا می‌کند معرفت بیشتر و اخلاص بیشتر و پیشگامی، سرعت، نترسیدن، شجاعت، ریسک کردن، دل به دریا زدن، با خدا معامل کردن، اینها اگر در کارهای فردی آمد و به خصوص در کارهای اجتماعی، کار شما یک فروق و شکوه دیگری پیدا می‌کند این ده عامل است.

# مطالبی در شأن حضرت خدیجه علهیاالسلام

چند مطلب راجع به حضرت خدیجه که به نحوی تطبیق همین‌ها می‌باشد.

۱- حضرت خدیجه یک انسان استراتژیک، راهبرداندیش و پیش بین و آگاه بر تحولات و تطورات تاریخ بود با این توضیح که بعضی از آدم‌ها در یک شرایط که دنیا در حال تحول است تحول را حس می‌کنند و بسیاری از آدم‌ها آن را نمی‌فهمند و عصر جاهلیت آبستن یک حادثه بزرگ و یک رستاخیز عظیمی به نام بعثت بودند و آن همه مردم روی زمین بودند و بشارت‌های تورات و انجیل و صحف قبل نسبت به طلوع خورشید پیامبر و بعثت آخرین رسول خدا وجود داشت اما در آن گله گله آدم چه کسی این را می‌فهمید لمس می‌کرد، بسیار اندک، خدیجه کبری از یک حس‌گر معرفتی و حس راهبردی برخوردار بود می‌فهمید خبرهایی در راه است، این فهم خیلی متعالی است این را همه ندارند.

من یادم هست، ۱۷ – ۱۸ساله بودم در انقلاب راهپیمایی‌های قم شروع می‌شد سال ۵۶ محدود شروع می‌شد و رسید به سال ۵۷ که راهپیمایی‌های بزرگ بود، انقلاب اسلامی که یک تحول راهبردی که در کل عالم بود، من یادم هست یکی دو ماه به پیروزی انقلاب اسلامی در خیابانهای قم و گاهی هم تهران که من می‌رفتم در راهپیمایی تهران حضور داشتم یادم هست بعضی از آقایان که بعد هم مسئولیت پیدا کردند در راهپیمایی که راه می‌رفتیم بحث می‌شد که چه خبر است؟ امام مژده میداد که تحول در راه است آن آقا که ادعا هم داشت که بعد مسئول شد و به ضلاتی مبتلا شد، می‌گفت این خبرها نیست، ما آخر در یک جنگ چریکی می‌افتیم و بیست سی سال طول می‌کشد ولی بعضی‌ها قبل از آن سال‌ها در غربت می‌فهمیدند یک خبرهایی در راه است

بعثت رسول خدا یک خبر راهبردی تحول بخش زیر رو کننده تمدن بشری بود اما ظواهر طوری بود که کسی نمی‌فهمید معدود افرادی از صاحبان بصیرت بودند و کسانی که درک بالا داشتند و این را می‌فهمیدند و خدیجه کبری از این‌ها بود این کتابها را ببینید که ده‌ها کد و نشانه وجود دارد که خدیجه کبری سلام الله علی‌ها پیشاپیش می‌فهمید خبرهایی در راه است و جهان در معرض یک تطور و تحول است و به نحوی در سیمای پیامبر هم این را تشخیص می‌داد و این تشخیص با تحلیل‌های امروزی دنیایی بگوییم یک حس قوی راهبردی قوی این دنیایی اگر با یک نگاه دیگر بخواهیم بگوییم با یک حس معنوی فوق طبیعی، در هر صورت خدیجه یک انسان راهبردی و دارای بصیرت و حس قوی نسبت به تحول تاریخ بود این همه جا نبود.

اینکه حضرت خدیجه با پیامبر ازدواج کرده و بعد همه جا همراه است و هیچ جا خم به ابرو نمی‌آورد، سال دهم هجرت در ماه رمضان طبق فرمایش شیخ مفید و بزرگان از دنیا رفتند و طبق بعضی نقل‌ها که مخالفی ندارد در دهم ماه رمضان ارتحال کردند در طول این دوره می‌بینیم حضرت خدیجه یک فهم راهبردی دارد و می‌فهمد تحولات را.

۲- اینکه حضرت خدیجه در این تحول که معرفت دارد و حس او درک می‌کند و کنشگر هم هست و بی‌تفاوت نیست و تماشاگر هم نیست خیلی وقت‌ها آدم‌های صاحب فکر و بصیرت هستند و تشخیص می‌دهند و بی‌بصیرت نیستند اما وقت عمل آن دل و جرئت و تشخیص عمل راهبردی ندارد حضرت خدیجه در عمل هم اقدام کننده و کنشگر فعال اجتماعی و راهبر حرکت بود. زنان معدودی در تاریخ هستند که راهبران حرکت‌های فکری هستند خدیجه کبری هم حس‌گر قوی راهبردی داشت و هم راهبر عملیاتی بود و پیشگام و پایه گذار بود.

جالب است بدانید ابن خلدون گفته است حضرت خدیجه به اسلام دعوت نشد خودش همراه بود چون خیلی‌ها با دعوت پیامبر به اسلام گرویدند ریشه این حرف این است که حضرت خدیجه پیشاپیش فهمیده بود تحولات را پیش بینی می‌کرد و پیشاهنگ بود لازم نبود رسول خدا بگوید آمنی، ایمان بیاور، او دلداده بود و همراه پیشاهنگ و پرشتاب بود

بنابراین در حضرت خدیجه درک راهبردی، فهم راهبردی، اقدام راهبردی، راهبری اجتماعی، پیشاهنگی، سرعت، و اقدام به موقع و پایه‌گذاری حرکت گروش به اسلام و پیامبر خدا در حضرت خدیجه می‌بینیم

آن هم وقتی که عامل دیگر و خصوصیت بعدی هم اقدام و کنش اجتماعی در غربت مطلق، تنهایی مطلق و سختی بی‌حد و حصر، اینها هم عامل دیگر بود اینها در حضرت خدیجه چنان بود که در دیگران اصلا نمی‌شود دید مگر در امیرالمؤمنین، این حرف کوچکی است.

خدیجه برای شیعه نیست، خدیجه برای امت اسلام است خدیجه برای همه آزادگان عالم است خدیجه یک راهبر اخلاقی معنوی روحی و انقلابی برای بشریت است. آن وقت که هیچ کس نبود، او بود، تنهایی، غربت سختی، حضرت هم آنجا فرمود وقتی که عایشه یک حساسیتی داشت وقتی خدمت حضرت آن را عرض کرد که چجوری اینقدر از حضرت خدیجه یاد می‌کنی تا ارتحال پیامبر یاد حضرت خدیجه در خانه پیامبر بود، فرمود ﴿**أَيْنَ مِثْلُ خَدِيجَةَ صَدَّقَتْنِي حِينَ كَذَّبَنِي النَّاس**‏[[4]](#footnote-4)﴾ کجا مثل خدیجه پیدا می‌شود وقتی که همه مرا تکذیب می‌کردند او مرا تصدیق کرد، همه مرا می‌راندند او مرا راه داد ﴿**وَ وَجَدَكَ عائِلاً فَأَغْنى**‏[[5]](#footnote-5)﴾ برای این است

۳- ویژگی دیگر این است که خدیجه یک تاجر اخلاقی درست خوب بود، که در احوال ایشان دارد که از ربا پرهیز می‌کرد و اموالی که داشت همه آن‌ها را با روی گشاده پای نهال اسلام ریخت به گونه‌ای که شعب ابی طالب بوجود آمد همه اموال خدیجه بود که آن جمع را نگه داشت یکی از عوامل مهم ارزش اعمال اقدام در بزنگاه‌ها و نقطه‌های حساس و عطف تاریخ است.

خدیجه در شعب ابی طالب با اموالش جلوی سقوط کلیت اسلام را گرفت و اسلام نجات پیدا کرد

۴- از ویژگی‌های دیگر هم این است که خدیجه روی خوش ندید و شاهد پیروزی را در آغوش نکشید تمام رنج‌ها را به جان خرید و قبل از هجرت و فتوحات از دنیا رفت این خیلی مظلومیت است

در بعضی از کتابها نقل شده است که حضرت خدیجه وصیت هم کرد و آن وصیت سه بند دارد یکی این است از رسول خدا درخواست می‌کند که یا رسول خدا من را عفو کن و مرا ببخش، حضرت آنجا جواب می‌دهد من تو را ببخشم تو همه وجود و اموالت را و افکار و حمایتت را صرف اسلام کردی، تو رو سفیدی

یکی هم برای دفن خود تقاضا می‌کنند به شکل خاصی دفن بشوند که طبق این نقل به فاطمه گفت که به پدرت بگو و او هم خبر آورد که با همان شکل خاص هم دفن شد توسط خود پیامبر

اما وصیت دیگر حضرت خدیجه چه بود این بود که پدرجان مواظب این دختر عزیز من باش و دختر در کودکی یتیم می‌شود و دختر وابسته به مادر است…

1. - سوره آل عمران، آیه 133 [↑](#footnote-ref-1)
2. - بحارالانوار، ج 67، ص 191 [↑](#footnote-ref-2)
3. - سوره حدید، آیه 10 [↑](#footnote-ref-3)
4. - بحارالانوار، ج 43، ص 131 [↑](#footnote-ref-4)
5. - سوره ضحی، آیه 8 [↑](#footnote-ref-5)